

موضوع:

خود انضباطی

تهیه کننده: سقزادگان

چکیده:

راههایی پیشنهاد کرده و نحوه استفاده از روش ها را نیز مورد بحث قرار داده ایم.

کلید واژه‌ها(واژه‌های کلیدی): انضباط هدف از نوشتن این مقاله بررسی علل بی انضباطی و کمک به مدیران و معلمان برای برخورد با دانش آموزان بی نظم می باشد. به این منظور ابتدا بی انضباطی را در دیدگاه افراد مختلف تعریف نموده سپس تعریف نسبت‌اجامی از آن ارائه می شود یکی از تعاریف مناسب عبارتست از: " انجام دادن هر عمل یا رفتار پذیرفته نشده و نا معقول توسط دانش آموزان که سازماندهی کلاس و مدرسه را مختل یا تهدید به اخلال می کنند و باعث کاهش کارایی معلم و دانش آموزان شده و معلم را در رسیدن به هدف اصلی خود که همان ارتقای دانش آموزان است به چالش می کشاند".

با توجه به تحقیق "کانین" که مشکلات بی انضباطی را از اقدامات پیش‌گیرانه‌ی معلم می‌داند. راههای برای پیش‌گیری این عمل ارائه می شود. سپس علل بی‌انضباطی را بررسی کرده و راههایی برای کاهش این علل ارائه خواهد شد. برای برخورد با رفتارهای بی‌انضباطی و بی‌انضباطانه نیز باتوجه به دیدگاههای دانشمندان، معلم، مدرسه، دانش آموز و اجتماع

مقدمه:

دشواری کنترل دانش آموزان با توجه به ویژگی های سنی آنها روز به روز روبه افزایش است. بسیاری از معلمان و مدیران از برخورد با مسائل انضباطی دانش‌آموزان احساس ناتوانی می کنند و به طور معمول ممکن است برخورد های نامناسبی با این رفتارها داشته باشند.

در زمینه‌ی بی انضباطی دانش‌آموزان، معلمان باید پاسخگویی سولاتی از قبیل این سولات باشند.

۱ - بی‌انضباطی چیست و چگونه میتوان انضباط را آموخت؟

۲- چگونه می توان از بروز رفتار های نا مناسب دانش‌آموزان که نظم و انضباط کلاس را مختل می‌کنند جلوگیری کرد؟

۳ - علل بی انضباطی دانش‌آموزان کدامند؟

۴ - چگونه میتوان این رفتارها را کاهش داد یا از بین برد ؟

در این مقاله سعی شده است بابررسی منابع علمی و نقد آنها به سولات فوق پاسخهای مناسب و کاربردی داده شود.

تعریف انضباط و بی انضباطی:

نظم و انضباط تعاریف متعددی دارد. عده‌ای کنترل رفتار فراگیرندگان و تسلط بر عوامل رفتاری آنان را انضباط می‌نامند، برخی معتقدند؛ نظم و انضباط شامل هر نوع سازماندهی در محیط مدرسه و کلاس است، به نحوی که سبب افزایش یادگیری شود. صفوی (۱۳۸۳) می‌گوید «انضباط عبارت است از: اعمال قواعد و مقرراتی که یادگیری را تسهیل می‌کند و اخلال در کلاس را به حداقل کاهش می‌دهد». لوفرانسوا (۱۹۹۱) معتقد است «انضباط بدان دسته از اعمال معلم اطلاق می‌شود که مانع سر زدن رفتارهایی از دانش آموز است که فعالیت کلاسی را مختل یا تهدید به اخلال می‌کند» (صفوی به نقل از زمانی ۱۳۷۸) اصغری پور بی‌انضباطی را اینگونه تعریف می‌کند: «هر نوع رفتاری که از ارزش‌های پذیرفته شده جامعه به دور است (با توجه فرهنگ) و دارای تکرار شدت و مداومت است و در زمانها و مکانهای متعدد اتفاق می‌افتد و همچنین رفتاری است که با درماندگی و کاهش کارایی فرد همراه است». ایزابل کلاک: «بی‌انضباطی را رفتاری می‌داند که از طرف تعدادی از دانش‌آموزان انجام می‌شود و مشکلاتی را برای فرد معلم به وجود می‌آورد و معلم را در راه رسیدن به هدف که ارتقای تحصیلی دانش‌آموزان است با مشکل روبرو می‌کند و مانع از پیشرفت کار تحصیلی می‌شود و رفتار آنان نا معقول و نا منظم است». با وجود تعاریف بالا بی‌انضباطی را می‌توان اینگونه تعریف کرد: انجام دادن هر عمل یا رفتار پذیرفته نشده و نا معقول توسط دانش‌آموز که سازماندهی مدرسه و کلاس را مختل یا تهدید به اخلال می‌کند و باعث کاهش کارایی معلم و دانش‌آموزان شده و معلم را در رسیدن به هدف اصلی خود باز می‌دارد.

آموزش انضباط:

انضباط را می‌توان از کودکی به افراد آموخت زیرا در کودکی افراد می‌توانند بهتر بیاموزند و بهتر بدان عادت کنند.

علی قانمی راه‌های زیر را برای نظم بخشیدن به کودکان توصیه می‌کند.

۱. آموزش‌ها: یعنی باید به کودک آموزش دهیم تا در دنیا ی جدید بدون سردرگمی زندگی کند.
۲. تذکرات: باید از انضباط برای کودک تعریف کرده و آن را لازمی موفقیت بدانیم
۳. تهیه مقررات: تهیه مقررات و تنظیم آن به کودکان یک کار اساسی است و باید قوانین منطقی در نظر بگیریم.
۴. جنبه الگویی: باید برای کودک الگو بوده و عامل و مجری نظم باشیم و اگر خود منظم نباشیم انتظار نظم از کودک بیهوده است.
۵. تنظیم برنامه: باید سعی کنیم با برنامه‌ای به زندگی کودک نظم ببخشیم.
۶. نشان دادن آثار: کودک را باید از فواید نظم و زیانهای بی‌نظمی آگاه کنیم.
۷. سپردن مسولیت: باید مسولیت‌هایی در رابطه بانظم به کودک بسپاریم برای مثال: مسولیت نظم اتاق
۸. زمینه سازی برای عادات: اگر بتوان رعایت نظم را بخشی از زندگی کودک کرد در آن صورت کودک به آن عادت خواهد کرد.

«پیش‌گیری از بی‌انضباطی»

پیش‌گیری از رفتار نا مطلوب دانش‌آموزان به‌دو دلیل مهم است:

۱. به دلیل عملی: یعنی پیش‌گیری از بروز رفتار نامطلوب آسان‌تر از تغییر آن است.

۲. به دلیل انسانی: یعنی معلم خود را مسئول اصلاح و بر طرف کردن رفتار نا مطلوب دانش آموز می‌داند (کدیور ۱۳۷۹). "کاتین" (۱۹۷۰) در تحقیق خود به مقایسه رفتار معلمان در کلاس‌های دارای رفتار نامطلوب و کلاس‌های عادی پرداخته است. و تفاوت این کلاس‌ها را در نحوه پاسخ گویی معلمان به رفتارهای نامطلوب نمی‌دانند بلکه آن را ناشی از اقدامات پیش‌گیرانه‌ی آنها می‌داند (صفوی، نقل از کدیور ۱۳۸۳ ص ۴۳۱)

معلم باید به نکاتی که باعث قطع ارتباط در کلاس می‌شود و همچنین به نیازهای دانش‌آموزان توجه کند و نباید اجازه‌ی گستاخی به دانش‌آموزان دهد و برای پیش‌گیری از رفتار نامطلوب دانش‌آموزان به نکات زیر توجه کند:

۱. رفتارهای بی‌نظم را مشخص و قوانین کلاس را مطرح کند و دانش‌آموزان ملزم به رعایت آن شوند - تحقیقات مشیل و روتر نشان داده است که مدرسه‌ای موفق است که نظامی خوب داشته باشد. آنها مشخصات نظام خوب را این گونه بیان کرده اند: ۱. تعداد قوانین مدرسه اندک بوده و به طور منظم اعمال می‌شود ۲. قوانین مرتبط با جامعه تحصیلی آنهاست ۳. مهمترین مشخصه قوانین قابلیت انعطاف آن است ۴. خط مشی و حدود روابط دانش آموز و شاگرد مشخص باشد ۵. تصمیمات متخذه از طرف معلم مستبدانه نباشد ۶. در جهت موفقیت افراد (دانش‌آموزان) تدریس می‌شود ۷. مدرسه در حرف و عمل نشان می‌دهد که خواهان حل مشکل دانش‌آموزان است ۸. نیازهای دانش‌آموزان تشخیص داده می‌شود ۹. برای حل مشکل دانش‌آموزان نا منظم هسته‌ای متشکل از سر معلم -مقام ارشد و معاون مدرسه وجود دارد. (فونتانا ۱۹۸۷)

۲. بطور انفرادی با افراد نا منظم برخورد کرده دلایل بی‌نظمی را جویا شوند.

۳. دانش‌آموزان باید رفتار مطلوب و مورد نظر معلم را بشناسند.

۴. بی‌توجهی به رفتار نا منظم دانش‌آموزان باعث می‌شود تا وی احساس کند که معلم فردی نا کارآمد است.

۵. شرط لازم برای اجرای قوانین قابل درک و فهم بودن آن برای دانش‌آموزان است.

۶. آغاز کلاس با جذابیت و متعاقب آن دادن آزادی بیشتر به دانش‌آموز

۷. علاقه‌مند کردن دانش‌آموز به درس با یادگیری معنادار (کدیور ۱۳۷۹)

علل بی‌انضباطی دانش‌آموزان

بروز رفتارهایی از دانش‌آموزان که انضباط کلاس را مختل می‌کند تنها به معلم، کلاس درس مربوط نیست بلکه علل دیگری نیز نظیر عوامل آموزشی، خانوانگی، اجتماعی وجود دارند که به طور مستقیم یا غیر مستقیم زمینه را برای رفتارهای مخرب دانش‌آموزان فراهم می‌کنند. این عوامل را می‌توان به مواد زیر تقسیم بندی کرد:

الف: علل مربوط به دانش‌آموزان: گاهی علل بی‌نظمی در کلاس ناشی از خود دانش‌آموزان است مانند:

۱. ناراحتی‌های جسمی، روحی و روانی

۲. نداشتن علاقه و انگیزه

۳. سردرگم بودن و بی‌توجهی به انتظارات معلم و کلاس ۴. نداشتن برنامه‌ی شخصی مطالعه

۵. کم خوابی و خستگی مفرط

۶. انجام ندادن تکالیف خود

۷. تغذیه نامناسب

۸. ناامیدی به آینده

۹. استقلال طلبی و مقابله با اقتدار معلم (صفوی)

دانش‌آموزان که مشکلات خاصی ایجاد می‌کنند در نظر فونتانا شامل دو دسته‌اند :

۱. شاگردان سرآمد : چون بهره‌ی هوشی بالایی دارند ، سطح درس خیلی پایین‌تر از توانایی آنهاست پس به طور خلاصه خستگی و کسالت مشکلاتی پدید می‌آورند.

۲. کودک آسیب دیده شدید : به علت مشکلات بنیادین روانی که در آنها وجود دارند به نوعی ناسازگاری رسیده‌اند و رفتارهای نامطلوب را به وجود می‌آورند (فونتانا ۱۹۸۷)

(ب) علل مربوط به معلم

۱. فقدان آمادگی جسمی ، روحی و روانی معلم

۲. نامناسب بودن وضعیت ظاهری معلم

۳. نا آگاهی از روش‌های جدید تدریس و استفاده از روش‌های سنتی

۴. بی‌علاقگی به شغل معلمی

۵. ناتوانی در برقراری ارتباط مطلوب با دانش‌آموزان

۶. تبعیض گذاشتن بین دانش‌آموزان

۷. نامناسب و نارسا بودن صدای معلم

۸. نداشتن طرح درس

۹. بی‌توجهی به دانش‌آموزان

۱۰. فعال بودن معلم و منفعل بودن دانش‌آموزان

۱۱. استفاده نامناسب از تشویق و تنبیه

۱۲. بی‌حوصلگی و نداشتن صبر و سعه صدر

۱۳. بی‌نظمی معلم (دیرآمدن به کلاس و ترک کردن زود هنگام آن)

۱۴. تسلط نداشتن به موضوع مورد یادگیری

۱۵. بی‌توجهی به مسائل و مشکلات دانش‌آموزان

۱۶. مبهم بودن توقعات و انتظارات معلم

۱۷. بروز رفتارها و حرکات نامنظم در کلاس

۱۸. تحقیر و تمسخر دانش‌آموزان

۱۹. نداشتن روحیه‌ی انتقاد پذیری و خودداری از پاسخ‌گویی به سوالات دانش‌آموزان

۲۰. ناآگاهی از روش‌های اصلاح رفتار

۲۱. علاوه بر اینها شخصیت معلم نیز ممکن است نقش عمده‌ای در بی‌نظمی و یا برقراری نظم و انضباط کلاس داشته باشد، چنانچه برخی روانشناسان معتقداً در جایی که دانش‌آموزان معلم خود را از صمیم قلب دوست داشته باشند بی‌انضباطی وجود نخواهد داشت. (صفوی ۱۳۸۳)

ج) علل مربوط به کلاس درس:

محیط مدرسه را می‌توان از دو بعد فیزیکی و عاطفی مورد بررسی قرار داد.

تأثیر محیط فیزیکی کلاس: وضعیت فیزیکی کلاس مانند، نظافت و پاکیزگی، برخورداری از نور و هوای مناسب، میز و صندلی راحت و کافی، تخته و وسایل سرمایشی و گرمایشی مناسب نقش انکارناپذیری در ایجاد نظم و انضباط کلاس دارند (همان). "مارلند" (۱۹۷۵) در اهمیت محیط فیزیکی کلاس می‌گوید: «تأثیر فیزیکی کلاس می‌تواند کمک یا مانعی در آموزش باشد و بخشی از هنر کلاس داری استفاده‌ی مناسب از فضای کلاس است» (صفوی، نقل از زمانی ۱۳۷۸).

در کلاس که وسایل سرمایشی یا گرمایشی مناسب وجود نداشته باشد، دانش‌آموزان به دلیل سرمای زیاد یا گرمای بیش از اندازه نمی‌توانند راحت بنشینند. از این رو مجبور می‌شوند دست به اعمالی بزنند که نظم کلاس را مختل کند. (صفوی ۱۳۸۳)

تأثیر محیط عاطفی کلاس :

علاوه بر عوامل فیزیکی کلاس، عوامل عاطفی مانند تعویض مکرر برنامه‌ی درسی، برخورد نامناسب دست اندرکاران ستادی مدرسه با دانش‌آموزان، یکنواخت بودن برنامه‌های صبحگاهی یا عصرگاهی مدرسه بی‌توجهی به خواسته‌ها و انتظارات معقول دانش‌آموزان و... را می‌توان نام برد که شرایط و موقعیت را برای بروز رفتارهای نامطلوب دانش‌آموزان فراهم می‌کند.

د) علل مربوط به خانواده:

صاحب نظران روانشناسی تربیتی یکی از مهمترین نهادهای موثر در تربیت و رفتار آدمی را خانواده می‌دانند؛ زیرا محیط خانواده اولین و با دوام‌ترین عامل در تکوین شخصیت کودکان و نوجوانان می‌باشد (صفوی ۱۳۸۳) عوامل متعدد می‌تواند در رفتار کودکان و نوجوانان تأثیر بگذارد (از جانب خانواده) که به موارد زیر اشاره می‌کنیم.

۱. فضای روانی و عاطفی؛

منظور مجموعه روابط و تعاملات روانی و عاطفی است که بین اعضای خانواده وجود داشته باشد و بصورت مستقیم (آموزش‌های اخلاقی و...) یا غیر مستقیم (همانند سازی و تقلید و...) رفتار فرزندان را تحت تأثیر قرار می‌دهد.

۲. شرایط ناسالم خانوادگی:

شامل مواردی مانند طرد کودک، تنبیه شدید، عدم توجه به نیازهای اساسی کودک، انتظار نابجا از کودک و... می‌باشد.

۳. فقدان والدین:

نبودن هر يك از والدین ، بویژه مادر چنانچه با كمبود ارضای نیازهای طبیعی و اساسی همراه شود اثرات ناگواری در شرایط اجتماعی كودك خواهد گذاشت.

۴. عدم ثبات قوانین و معیارهای اخلاقی:

چنانچه در محیط خانه اصول اخلاقی معینی حكم فرما نباشد یا اینکه اصول ثابت باشند و یا برای كودك تبیین نگردند در ایجاد مشکلات رفتاری كودك نقش خواهند داشت .

۵. ترتیب ولادت:

از دیدگاه آلفرد آدلر ترتیب ولادت در رفتارهای افراد نقش دارد آدلر معتقد است جایگاه ویژه فرزندان با تولد فرزند بعدی تهدید می‌شود و فرزند آخر نگران از دست دادن موقعیت خود نخواهد بود. (اصغری پور ۱۳۸۰) اختلافات خانوادگی و بی‌نظمی در خانواده سبب تأثیر نامطلوب در رفتار فرد شده و زمینه‌ی لازم را برای بروز رفتارهای مخرب فراهم می‌آورد و به این ترتیب نظم و انضباط کلاس را به هم می‌زند. (صفوی)

ه) علل مربوط به روابط اجتماعی :

عوامل اجتماعی اغلب به طور مستقیم تأثیر شگرفی در رفتارهای دانش‌آموزان می‌گذارد (همان) از بین عوامل اجتماعی موثر در رفتارهای دانش‌آموزان به موارد زیر اشاره می‌کنیم:

۱. طبقه‌ی اجتماعی: شامل مواردی مانند میزان سواد والدین ، فرهنگ حاکم بر خانواده و که هر کدام به نوعی تأثیر می‌گذارد.

۲. گروه همسالان : مهمترین الگوی كودكان پس از والدین که تأثیر زیادی در رفتار كودكان می‌گذارد.

۳. عوامل اجتماعی دیگر: از قبیل تلویزیون که به عنوان الگوی رفتاری از عوامل مهم تعیین کننده در رفتار است . (اصغری پور ۱۳۸۰)

و) عوامل روانی :

از عوامل روانی موثر در اختلالات رفتاری می‌توان به موارد زیر اشاره نمود.

۱. تعارض: یعنی فرد در مقابل دو هدف قرار گرفته که قادر به انتخاب یکی نیست پس با انتخاب یکی در مقابل دیگری احساس محرومیت می‌کند و موجب پدیدار شدن فشار و ناراحتی می‌شود.

۲. ناکامی: منظور ناراحتی شدید از نرسیدن به يك هدف است . وقتی برای رسیدن به چیزی از لحاظ روانی برنامه‌ریزی می‌کنیم و به آن نرسیم دچار سرگردانی شده و موجب ناراحتی می‌شود .

۳. استرس: هنگامی که مجموعه‌ای از عوامل روانی درونی و بیرونی در ذهن فرد تبدیل به ساختار تهدید کننده یا آسیب روانی می‌شود موجب ایجاد فشار و ناراحتی روانی می‌شود. (اصغری پور ۱۳۸۰)

برخی از راههای از بین بردن یا کاهش عوامل بی‌نظمی

برای کاهش عوامل بی‌نظمی دانش‌آموزان باید میان‌خانه و مدرسه هماهنگی وجود داشته باشد. (صفوی ۱۳۸۳)

برای کاهش عوامل بی‌نظمی معلمان باید معلم آمادگی تغییر رفتارهای به‌عنوان واکنشی نسبت به حقایق آشکار شده توسط مشاهده را داشته باشد. (فونتاتنا ۱۹۸۷)

برای کاهش عوامل بی‌نظمی موثر از کلاس باید شرایط فیزیکی کلاس را بهتر کنیم و روابط بین کارکنان و دانش‌آموزان بهتر شود.

برای کاهش این عوامل در خانواده باید والدین فرزندان خود را به انضباط تشویق کرده و وظایف شان را در قبال فرزندان خود به خوبی اجرا کنند. (صفوی ۱۳۸۳)

راه‌های کاهش یا حذف رفتارهای بی‌نظمی

در آموزش و پرورش وظیفه معلمان تنها این نیست که به ایجاد و تقویت رفتار مطلوب اقدام کند بلکه باید رفتار نا مطلوب دانش‌آموز را کاهش داده یا از بین ببرند. برای از بین بردن رفتار نا مطلوب روش‌های زیر توصیه می‌شود: (شعبانی ۱۳۷۱)

۱. خاموشی: برای اینکه رفتار نامطلوب دانش‌آموز ادامه نیابد می‌بایست شرایط طوری فراهم شود که برای انجام دادن آن رفتار نا مطلوب پاداشی دریافت نکند. (همان)

۲. اشباع: رفتار نامطلوب شاگرد به مدت طولانی تقویت می‌شود تا دانش‌آموز اشباع شود و احتمال تکرار آن کاهش یابد یعنی درست برعکس خاموشی و این روش بر خلاف تنبیه عوارض جانبی ندارد. (همان)

۳. تقویت رفتار مغایر: رفتاری را که مغایر با رفتار نامطلوب است تقویت می‌کنیم که خود از یک اصل روانشناسی ناشی می‌شود که انسان نمی‌تواند خود را همزمان روی دو رویداد مخصوصاً اگر مغایر باشد متمرکز کند. (اصغری پور ۱۳۸۰)

۴. محروم کردن: یعنی دانش‌آموز به خاطر رفتار نامطلوبی که انجام داده است از دریافت تقویتی محروم می‌شود برای مثال دانش‌آموز که به کلاس علاقه دارد به خاطر بی‌نظمی از کلاس اخراج می‌شود. (شعبانی ۱۳۷۱)

۵. جریمه کردن: یعنی کم کردن مقداری از عامل تقویت‌کننده به دلیل انجام رفتار نامطلوب برای مثال کسر چند نمره به دلیل شیطنت یا بی‌نظمی. (همان)

مشاوره و مذاکره با دانش‌آموز نامنظم: معلم می‌تواند در برابر دانش‌آموز نامنظم از شیوه‌ی صحبت آرام استفاده کند که بر اساس شیوه‌های مشاوره و لگانه‌نگ و گلیکمن می‌باشد، در این روش معلم مشاوره می‌کند چون دانش‌آموز در کلاس او بی‌نظمی کرده و معلم می‌داند در آن هنگام دانش‌آموز مشغول چه کاری است و آن شرایط را به خوبی می‌شناسد معلم در مشاوره می‌تواند از نظرات دانش‌مندی چون گلاسر، ردل و... استفاده کند. این دانش‌مندان تأکید کرده‌اند که در بازبینی بی‌انضباطی دانش‌آموز باید موقعیت فعلی وی در نظر گرفته شود در این هنگام معلم نباید از انتقاد زیاد استفاده کند چون باعث می‌شود دانش‌آموز حالت تدافعی به خود بگیرد و بهانه‌های بیشتری بتراشد. معلم باید از طریق مذاکره‌ای صریح به دانش‌آموز بفهماند کارش تا چه اندازه زشت بوده است و بازنده‌ی اصلی نیز خود دانش‌آموز است و اگر این رفتار نامطلوب راترک کند سود زیادی خواهد کرد. برای این کار معلم باید «از باب پرسش» طبق نظر گلاسر وارد شود برای مثال از شاگرد می‌پرسد «چرا به این کار (بی‌نظمی) پیشنهاد شدی» و به بهانه تراسی‌های وی توجه چندانی نمی‌کند در واقع معلم اعتقاد خودش را که رفتاری هر قدر هم غیر قابل قبول و نامطلوب باشد هدف دار است اعلام می‌کند این همان نکته‌ای است که گلاسر به آن تأکید دارد. (جی اسمیت، لاسلت)

اصل تقویت منفی: برای اینکه دانش‌آموز را از انجام رفتار نامطلوبی باز داریم باید ترتیبی بدهیم که هر زمان رفتار او در جهت مطلوب تغییر کرد به موقعیتی که برای او ناخوشایند بوده است پایان می‌دهیم. در کاربرد این اصل پایان دادن باید به آسانی امکان داشته باشد زیرا در غیر این صورت دانش‌آموز فایده‌ای در تغییر دادن رفتار خود نمی‌بیند (اصغری پور ۱۳۸۰)

تنبیه : یعنی اضافه کردن یک محرک بیزار کننده به محیط پس از انجام رفتار نامطلوب این روش معایبی دارد :

۱. باعث نابودی رفتار نمی‌شود و فقط آن را واپس می‌زند (همان) ۲. سبب ترس یا نگرانی شدید می‌شود ۳. از توجه دانش‌آموزان به فرد تنبیه‌گر کاسته می‌شود و به دستورهایی او عمل نمی‌کند. (اصغری پور ۱۳۸۰)

نتیجه‌گیری

پس از نوشتن این مقاله به این نتیجه دست یافتیم که بی‌انضباطی هر گونه رفتاری از جانب دانش‌آموز است که سازماندهی کلاس و مدرسه را مختل یا تهدید به اخلاص می‌کند. می‌توان انضباط را از کودکی آموخت یعنی والدین می‌توانند با آموزش‌ها، تذکرات، نشان دادن آثار و... نظم و انضباط را به فرزندان بیاموزند.

در بررسی علل بی‌انضباطی به این نتیجه رسیدیم که تنها دانش‌آموز عامل مطلق بی‌انضباطی نیست و این رفتار می‌تواند از عواملی همچون معلم، کلاس (محیط فیزیکی یا عاطفی)، خانواده و... ناشی شود. و می‌توان این عوامل را کاهش داد ما می‌توانیم از این رفتارهای نامطلوب پیش‌گیری کنیم که برای پیش‌گیری نیز راههایی چون : به کارگیری روش‌های فعال تدریس، وضع قوانین کلاسی، جویا شدن علل بی‌انضباطی، برخورد با این رفتارها و... پیشنهاد شد.

برای کاهش یا حذف این رفتارها نیز راهکارهایی چون: خاموشی، محروم کردن، مشاوره و مذاکره و... را نام برده برخی محاسن و معایبشان را بیان نمودیم و آنها را پیشنهاد کردیم.

منابع و مأخذ مورد استفاده

۱. اصغری پور، حمید، (۱۳۸۰)، کلیات راهنمایی و مشاوره مشهد: نشر ترمین
۲. فونتانا، دیوید (۱۹۸۷)، کنترل کلاس، ساده حمزه و مجید محمدی (۱۳۷۵) تهران: رشد
۳. شعبانی، حسن (۱۳۷۱)، مهارت‌های آموزشی و پرورشی (جلد اول) روشها و فنون تدریس تهران: سمت
۴. کدیور، پروین (۱۳۷۹)، روانشناسی تربیتی، تهران، سمت
۵. اسمیت، کولین جی لاسلت، رابرت، (بی تا) مدیریت کارآمد در کلاس، زهرا صباغیان (۱۳۸۲)
۶. کلاک ماک لین، ایزابل، (بی تا) راهنمایی و مشاوره کودک در مدرسه رضا شاپوریان (بی نام تهران امیر کبیر)
۷. قائمی، علی (۱۳۷۰) - بی‌نظمی کودکان - مجموعه آموزشی پیوند ۲۶ تهران انجمن اولیا و مربیان
۸. مقاله‌ی حشمت‌الله صفوی از اینترنت سایت :